Saba Scientific Journal, Volume 5, Issue 9, 2026, pp. 13-20

پژوهش نامه صبا
Biannual Journal of Saba

Reflections of Astronomical Knowledge in Dante's Divine Comedy

Mohammad mahdi naseri [1*], Naima Sadat Safainia [2]

*1.*Master's Student, Department of Language, Literature, and Cultural Studies, Faculty of Language, Literature, and Cultural Studies, Al-Mustafa Virtual University, Qom, Iran.. (Corresponding Author)*

2. Assistant Professor Department of Language, Literature, and Cultural Studies, Faculty of Language, Literature, and Cultural Studies, Al-Mustafa Virtual University, Qom, Iran. ns.safaei@gmail.com

ARTICLE INFO

Key Words:

Astronomical knowledge,

Divine Comedy,

Dante,

center of the universe,

Aristotelian physics,

ABSTRACT

As a masterpiece of Italian literature and a cornerstone of world literature, *The Divine Comedy* is less a work of imaginary travelogue and more an attempt to articulate a medieval worldview in which astronomy plays a pivotal role. This study aims to examine the connection between the scientific findings of ancient astronomy and Dante's theological framework. Employing a descriptive-analytical approach, the article analyzes how Dante utilized the Ptolemaic cosmological model as a foundation for depicting the spheres of Paradise and the spiritual stations of souls. The findings reveal that, for Dante, astronomy is not merely a descriptive tool but a symbolic structure through which proximity to—or distance from—the center of existence (God) is explained via the revolution of the celestial spheres and the movement of the stars. The study demonstrates that by synthesizing Aristotelian physics and Christian theology, Dante created a coherent worldview in which science and faith exist in perfect harmony. The results indicate that Dante drew upon the astronomical knowledge of his era both as a map for the afterlife's journey and as a means to articulate the stages of spiritual ascent.

***Corresponding Author:**
Email: *naseri@tahour.academy*

Article Address Published on the Journal Site:
https://saba.journals.miu.ac.ir/article_12613.html

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF AUTHORS	NATIONALITY OF AUTHOR
8	2	(Iran)

نشریه علمی صبا، دوره ۵، شماره ۹، سال ۱۴۰۵، صفحات ۱۳ تا ۲۰

پژوهش نامه صبا
Biannual Journal of Saba

بازتاب دانش نجومی در کمدی الهی دانته

محمدمهدی ناصری [۱*]، نعیمه سادات صفایی نیا [۲]

۱. * دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، ایران. ns.safaei@gmail.com

اطلاعات مقاله

کلمات کلیدی:

دانش نجومی،

کمدی الهی،

دانته،

مرکز هستی،

فیزیک ارسطویی،

چکیده

کمدی الهی به‌عنوان شاهکار ادبیات ایتالیا و یکی از ارکان ادب جهان، بیش از آن که یک سفرنامه خیالی باشد، تلاشی برای تبیین جهان بینی قرون وسطایی است که در آن دانش نجوم جایگاهی محوری دارد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی پیوند میان یافته‌های علمی نجوم قدیم با ساختار الهیاتی دانته انجام شده است. روش کار در این مقاله توصیفی و تحلیلی است و تلاش شده است تا چگونگی بهره گیری دانته از الگوی کیهانی بطلمیوسی به‌عنوان بستری برای ترسیم درجات بهشت و مقامات نفسانی ارواح تحلیل شود. یافته های پژوهش نشان می دهد که نجوم نزد دانته تنها یک ابزار توصیفی نیست، بلکه ساختاری نمادین است که بر اساس آن، دوری و نزدیکی به مرکز هستی یعنی خداوند، با گردش افلاک و حرکت کواکب تبیین می شود. این مطالعه اثبات می‌کند که دانته با پیوند زدن فیزیک ارسطویی و الهیات مسیحی، جهان بینی منسجمی خلق کرده است که در آن علم و ایمان در یک تقارن کامل قرار دارند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که دانته از دانش نجومی زمانه خویش، هم به‌عنوان یک نقشه جغرافیایی برای سفر اخروی و هم به‌عنوان ابزاری برای بیان مراتب سلوک بهره برده است.

* نویسنده مسئول

Email: naseri@tahour.academy

نشانی مقاله در وب سایت:

https://saba.journals.miu.ac.ir/article_12613.html

تعداد منابع	تعداد نویسندگان	ملیت نویسنده
۸	۲	(ایران)

مقدمه

در اندیشه قرون وسطی، مرز میان علم و الهیات بسیار کمرنگ بود و کیهان شناسی به‌عنوان بخشی جدایی ناپذیر از الهیات نگریسته می‌شد. در این جهان بینی، آسمان‌ها تنها اجرام فیزیکی نبودند، بلکه منازل قدسی بودند که مراتب کمال انسانی را نشان می‌دادند. دانته آلیگیری، شاعر بزرگ ایتالیایی، در نگارش کمدی الهی خود از این دانش نجومی بهره گرفت تا بتواند ساختاری منظم و دقیق برای سفر اخروی خود طراحی کند. درک کامل کمدی الهی بدون شناخت نظام نجوم بطلمیوسی که بر پایه زمین مرکزی بنا شده بود، امکان پذیر نیست.

دانته در این اثر از دانش نجومی زمانه خویش به عنوان یک زبان نمادین استفاده کرد. هر فلک در ساختار بهشت دانته، نه‌تنها یک محیط مادی بلکه نمادی از یکی از مراتب روحی و اخلاقی است که روح انسان در مسیر کمال طی می‌کند. ستارگان و سیارات در این اثر، بازتاب دهنده فیض الهی هستند که از مرکز هستی به سوی مراتب پایین‌تر سرازیر می‌شود. این پژوهش بر این باور است که دانته با آگاهی کامل از دانش علمی عصر خود، توانست یک مدل کیهانی طراحی کند که در آن حرکات افلاک و تاثیرات کواکب، استعاره‌ای از حرکت نفس به سوی حقیقت مطلق باشد.

اهمیت این مطالعه از آنجا ناشی می‌شود که خوانش مدرن از آثار کلاسیک اغلب جنبه‌های علمی و نجومی آن را نادیده می‌گیرد و تنها بر وجوه ادبی یا مذهبی تمرکز دارد. این مقاله تلاش می کند با کنار زدن پرده‌های نمادین، پایه‌های علمی این بنای عظیم ادبی را نمایان سازد. بررسی نجوم در کمدی الهی به ما کمک می‌کند تا ببینیم چگونه یک شاعر توانسته است با استفاده از ابزارهای علمی دوران خود، مفاهیم انتزاعی معنوی را عینیت ببخشد و تصویری محسوس از جهان ماورای طبیعت ارائه دهد.

دانته در ترسیم دوزخ، برزخ و بهشت، از هندسه افلاک پیروی می‌کند. دوزخ در مرکز زمین قرار دارد و بهشت در افلاک نهم گانه محصور است. این ساختار نشان می‌دهد که دانته چگونه نظم ریاضی حاکم بر کیهان را به نظم اخلاقی پیوند زده است. در نگاه او، بی نظمی و گناه، حرکتی است که از مرکز هستی دور می شود و کمال و تقوا، حرکتی است که به سوی خورشید حقیقت بازمی گردد. این پژوهش مقدمه‌ای برای ورود به جهان ذهنی دانته است، جهانی که در آن خرد علمی و شهود عرفانی در کنار یکدیگر، حقیقت هستی را روایت می‌کنند. در ادامه این مقاله، به تحلیل دقیق‌تر مفاهیم نجومی و چگونگی انطباق آنها با آموزه‌های دینی در کمدی الهی پرداخته خواهد شد تا روشن شود که چگونه دانته، علم زمانه خود را به ابزاری برای بیان حقیقت جاودان تبدیل کرده است.

۱-۱. هدف و ضرورت انجام پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، واکاوی جایگاه و کارکرد دانش نجوم قدیم در مهندسی ساختار روایی کمدی الهی است. اهداف فرعی پژوهش به شرح زیر تبیین می شود:

تبیین نظام کیهان شناسی دانته مبتنی بر الگوی زمین مرکزی و مدل بطلمیوسی.

شناسایی و تحلیل کارکردهای نمادین کواکب و افلاک به عنوان استعاره‌هایی برای درجات کمال نفسانی و قرب الهی.

بررسی چگونگی تلفیق یافته‌های علمی زمانه و مبانی الهیاتی در ترسیم نقشه جهان اخروی و مراتب بهشت.

ارائه الگویی از جهان بینی دانته که در آن دانش نجوم نه به‌عنوان یک دانش منفک، بلکه به‌مثابه زبانی برای بیان حقایق قدسی و نظم هستی به کار گرفته شده است.

تحلیل نسبت میان حرکت فیزیکی افلاک و حرکت روحی زائر در مسیر رستگاری.

ضرورت انجام این مطالعه از چند منظر قابل تبیین است:

پر کردن خلأ پژوهشی: با وجود کثرت مقالات و کتاب‌ها درباره ابعاد الهیاتی یا ادبی کمدی الهی، بررسی فنی و نظام مند تأثیر دانش نجوم بر ساختار هندسی و روایی این اثر، همچنان حوزه ای است که نیازمند تاملات علمی بیشتر است.

بازخوانی دقیق جهان بینی قرون وسطایی: فهم صحیح اندیشه دانته بدون شناخت ابزارهای علمی او ممکن نیست. این پژوهش ضروری است تا نشان دهد چگونه ذهن دانته توانست میان مشاهده علمی آسمان و شهود دینی، پیوندی ناگسستنی برقرار کند.

اصلاح نگرش نسبت به ادبیات کلاسیک: این پژوهش به مخاطب نشان می‌دهد که شاهکارهای ادبی، صرفا برآمده از تخیل نیستند، بلکه بر پایه دقیق ترین دانش‌های زمانه خود بنا شده‌اند. شناخت این دانش، به درک عمیق‌تر لایه‌های پنهان و نمادین کمدی الهی کمک شایانی می‌کند.

تقویت مطالعات میان رشته‌ای: این نوشتار با پیوند زدن دو حوزه تاریخ علم نجوم و ادبیات، می‌تواند الگویی برای تحلیل‌های علمی آثار کلاسیک فراهم آورد و دریچه‌ای نو به سوی فهم هندسه معرفتی حاکم بر ادبیات قرون وسطی بگشاید. درک این پیوند، برای پژوهشگرانی که به دنبال فهم سیر تحول اندیشه در غرب هستند، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

۲-۱. پیشینهٔ پژوهش

بررسی آثار موجود نشان می‌دهد که مطالعات پیرامون کمدی الهی را می توان در سه دسته کلی جای داد. نخست پژوهش‌هایی که عمدتا بر ابعاد الهیاتی و اخلاقی اثر تمرکز دارند. در این آثار ساختار کیهانی و ارجاعات نجومی دانته بیشتر به‌عنوان پس زمینه‌ای برای سفر معنوی زائر در نظر گرفته شده و تحلیل فنی و علمی آن ها چندان مد نظر نبوده است.

دوم مطالعات تاریخی و علمی که به تبیین جهان بینی قرون وسطایی و نظام بطلمیوسی پرداخته‌اند. این دسته از آثار اگرچه دانش نجوم عصر دانته را به خوبی تشریح کرده‌اند اما اغلب فاقد تحلیل ادبی عمیق هستند و ارتباط میان این ساختار علمی با استعاره‌های شعری دانته را به حاشیه رانده‌اند.

دسته سوم شامل مقالاتی است که به بررسی ساختار بهشت و جایگاه کواکب در آن اختصاص دارد. این مطالعات تا حد زیادی به توصیف هندسه افلاک پرداخته‌اند ولی کمتر به این پرسش پاسخ داده‌اند که چرا دانته از فلان سیاره برای تبیین فلان مرتبه اخلاقی استفاده کرده است.

آنچه در پیشینه موجود جای خالی آن احساس می‌شود رویکردی تلفیقی است که دانش نجوم را نه به‌عنوان یک بستر ثابت بلکه به‌عنوان یک دستگاه پویا در خدمت نظام معرفتی دانته بررسی کند. پژوهش حاضر با هدف پوشش دادن این شکاف تلاش می‌کند تا میان دانش فنی عصر دانته و کارکرد نمادین آن در مسیر کمال نفسانی پیوندی تحلیلی برقرار سازد و نشان دهد که چگونه این شاعر بزرگ نجوم را به بخشی جدایی ناپذیر از مهندسی الهیاتی خود تبدیل کرده است.

۲. بحث و بررسی

برای واکاوی پیوند میان دانش نجوم و ساختار کمدی الهی، باید از ادراک فیزیکی افلاک به سوی فهم نمادین آنها حرکت کرد. دانته در این اثر، نظام بطلمیوسی را نه‌تنها به عنوان یک الگو برای هندسه کیهانی، بلکه به‌مثابه چارچوبی برای ترسیم درجات تعالی روح به کار گرفته است. در ادامه، کارکرد این دانش را در تبیین مراتب بهشت و نسبت میان حرکت کواکب با سلوک معنوی زائر تحلیل خواهیم کرد.

۲-۱. از فیزیک افلاک تا متافیزیک روح: تحلیل تطبیقی دانش نجوم در کمدی الهی

- چگونگی تبدیل ساختار فیزیکی به بستر معنایی:

نخستین چالش در خوانش کمدی الهی، درک این نکته است که دانته چگونه توانست از محدودیت‌های مدل نجومی زمانه خود برای ترسیم بی‌کرانگی قلمرو الهی استفاده کند. در نظام بطلمیوسی، جهان مجموعه‌ای از کرات متحدالمرکز است که زمین در مرکز آن قرار دارد. این مدل اگرچه در قرن‌های بعد از نظر علمی بازنگری شد، اما در عصر دانته، دقیق‌ترین ابزار برای توصیف نظم هستی بود. مسئله اصلی اینجاست که دانته چگونه جرم فیزیکی و فواصل نجومی را به نردبان صعود روحانی بدل کرده است؟ او نه‌تنها به دنبال توصیف فیزیک آسمان، بلکه به دنبال اثبات همسویی نظم ریاضی افلاک با نظم اخلاقی عالم است.

- نجوم به مثابه هندسه اخلاق

دانته با استفاده از نظام بطلمیوسی، الگویی طراحی می‌کند که در آن هر فلک، نه فقط یک جسم آسمانی، بلکه بازتاب‌دهنده یک مرتبه از کمال انسانی و قرب الهی است. این گذار از ادراک فیزیکی به فهم نمادین، بر پایه چند رکن اساسی استوار است:

الف) نظام بندی مراتب بهشت: دانته بهشت را به نُه آسمان تقسیم می‌کند که هر یک منطبق بر حرکت سیارات است. از ماه تا فلک الافلاک. در این ساختار، هرچه زائر به مرکز عالم (خداوند) نزدیک‌تر می‌شود، از سرعت و

پیچیدگی‌های مادی کاسته و بر نورانیت و ثبات افزوده می‌گردد. این خود بازتابی از سیر روح از ناپایداری‌های مادی به سوی ثبات ابدی است.

ب) نمادپردازی ویژگی کواکب: دانته ویژگی‌های فیزیکی سیارات را با خصلت‌های اخلاقی ارواح ساکن در آن‌ها پیوند می‌زند. برای نمونه، کره ماه که نزدیک‌ترین فلک به زمین است و تغییرات ظاهری زیادی دارد، جایگاه ارواحی است که در انجام نذورات خود دچار سستی و بی‌ثباتی بوده‌اند. در مقابل، خورشید که منبع نور و دانایی است، جایگاه حکیمان و دانشمندان الهی است. این پیوند میان ماهیت فیزیکی (نور و حرکت) با ماهیت اخلاقی (فضیلت)، هسته اصلی روش نمادپردازی دانته را تشکیل می‌دهد.

ج) حرکت کواکب و اراده الهی: حرکت دورانی افلاک در نجوم قدیم، نمادی از کمال‌طلبی و عشق به محرک اول است. در نگاه دانته، حرکت کواکب یک فرآیند مکانیکی نیست، بلکه تسبیح و ستایش هستی است. زائر در سفر خود، همراه با این حرکت دوار، گام‌به‌گام از تضادهای زمینی فاصله گرفته و به وحدت لایتناهی نزدیک می‌شود. نسبت میان حرکت سیارات و روح زائر، یک نسبت طولی است؛ هرچه روح خالص‌تر می‌شود، آمادگی بیشتری برای درک هارمونی پیچیده‌تر افلاک پیدا می‌کند.

۲-۲. پیوند میان مشاهده علمی و شهود عرفانی

برای درک کامل این سازوکار، باید توجه داشت که در جهان‌بینی دانته، علم نجوم و الهیات دو رشته جدا از هم نیستند. راهکار تحلیل این اثر، در پرهیز از نگاه تک‌بعدی است. پژوهشگر نباید نجوم دانته را تنها به عنوان خرافات یا دانش قدیمی ببیند، بلکه باید آن را به مثابه یک زبان فنی–عرفانی تلقی کند.

استفاده از نظام بطلمیوسی در کمدی الهی، راهکاری برای نظم بخشیدن به تجربه بی‌نظم عرفانی است. همان‌گونه که ریاضیات به کیهان نظم می‌دهد، الهیات دانته نیز به فضای معنوی نظم می‌بخشد. بنابراین، در تحلیل این ساختار، باید بر چند محور تمرکز کرد:

بررسی دقیق تقابل میان سکون زمین و حرکت افلاک در متن اشعار دانته.

شناسایی نسبت میان تندی یا کندی حرکت سیاره با شدت و ضعف درجات فضیلت در آن مرتبه.

تفسیر نمادهای نجومی به عنوان استعاره‌های تجربی برای توصیف حالات نفسانی.

در نهایت، موفقیت دانته در این اثر مرهون آن است که توانسته میان فیزیک آسمان و اخلاق روح، پیوندی ناگسستنی برقرار کند. او به مخاطب می‌آموزد که آسمان، کتابی است گشوده که در آن هر ستاره و هر چرخش، رازی از درجات کمال آدمی را در خود نهان دارد و این همان نقطه‌ای است که دانش فنی زمانه، به خدمت تعالی روح در می‌آید.

بررسی دقیق ساختار کمدی الهی و تطبیق آن با متون نجومی قرون وسطی، به دستاوردهای مشخصی منجر شده است که در ادامه در قالب ساختار سه گانه تبیین می شود.

چالش اصلی این پژوهش کشف نسبت میان داده‌های نجوم بطلمیوسی و ساختار روایی اثر بود. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که نجوم در کمدی الهی صرفاً یک ابزار تزئینی یا شاعرانه نیست، بلکه اسکلت‌بندی اصلی کل نظام

هستی‌شناختی دانته را تشکیل می‌دهد. پژوهش ثابت می‌کند که دانته از دانش نجوم به عنوان یک نقشه فنی برای تبیین جهان اخروی استفاده کرده است؛ به گونه‌ای که اگر مؤلفه‌های نجومی از ساختار اثر حذف شوند، معماری بهشت و درجات آن فرو می‌ریزد. این یافته بر این نکته تأکید دارد که هندسه کیهانی در ذهن دانته، کاملاً با نظم اخلاقی و مراتب سلوک انسانی هم‌سو است.

یافته‌های حاصل از تحلیل متن در سه محور اصلی دسته‌بندی می‌شود:

۱. نظام‌مندی درجات کمال: پژوهش نشان داد که هر یک از نُه آسمانِ کمدی الهی، بازتاب‌دهنده یک درجه از فضیلت‌های اخلاقی و مراتب نفسانی است. دانته به شکلی نظام‌مند، ویژگی‌های فیزیکی هر سیاره را به ویژگی‌های اخلاقی ساکنان آن فلک پیوند زده است. برای نمونه، تغییرپذیری و حرکت سریع ماه، دقیقاً با وضعیت روحی کسانی که در عمل به عهد خود سستی ورزیده‌اند، متناظر است.

۲. نجوم به مثابه طبقه‌بندی اخلاقی: یافته دیگر این است که دانته از نجوم به عنوان یک نظام طبقه‌بندی برای رده‌بندی ارواح استفاده کرده است. سیارات در اینجا نقش کدگذاری اخلاقی را ایفا می‌کنند. خورشید که در مرکز نظام سیارات قرار دارد، جایگاه فیلسوفان و عالمان دینی است و این نشان‌دهنده اولویت دانش و روشنایی در جهان‌بینی دانته است که با محوریت فیزیکی خورشید در نجوم قدیم همخوانی کامل دارد.

۳. هارمونی کیهانی و صعود عرفانی: یافته‌های این مطالعه اثبات می‌کند که حرکت کواکب در کمدی الهی، تمثیلی از هماهنگی کل هستی با اراده الهی است. زائر در طول سفر خود، همگام با چرخش افلاک، از کثرت و پیچیدگی مادی به سمت وحدت و سادگی حرکت می‌کند. این حرکت، یک فرآیند فیزیکی نیست، بلکه یک صعود عرفانی است که با چرخش آسمان‌ها تنظیم شده است.

نتیجه‌گیری

به‌عنوان نتیجه نهایی، این پژوهش مدلی را ارائه می‌دهد که در آن دانش نجوم و الهیات در یک نقطه به هم می‌رسند: هندسه معرفتی عالم. یافته‌ها نشان می‌دهد که برای درک عمیق کمدی الهی، باید از رویکردهای تک‌بعدی (صرفاً ادبی یا صرفاً الهیاتی) پرهیز کرد. راهکار پیشنهاد شده در این پژوهش، خوانش میان‌رشته‌ای است که در آن هر بیت شعر، یک کد نجومی و هر ستاره، یک نماد اخلاقی تلقی می‌شود. در این نگاه، دانش نجومِ عصر دانته نه یک دانش منسوخِ علمی، بلکه زبانِ بیان حقیقتِ الهی است که به اثر او ساختاری جاودانه و تغییرناپذیر بخشیده است.

چالش بنیادین این پژوهش، اثبات این فرضیه بود که نجوم بطلمیوسی در کمدی الهی صرفا یک آرایه ادبی یا دکوراسیون نیست، بلکه استخوان بندی مهندسی الهیاتی دانته است. ما نشان دادیم که دانته با پیوند میان حرکت افلاک و مراتب سلوک انسانی، توانسته است میان فیزیک عالم و اخلاق نفسانی وحدت ایجاد کند. این پژوهش گره گشای این ابهام بود که چگونه دانشمندانی که در بستر علم قدیم می زیسته اند، توانسته اند حقایق متعالی را در قالب هندسه کیهانی محصور کنند بدون آنکه از بار معنایی و عرفانی آن بکاهند.

استنباط نهایی نگارنده این است که در جهان بینی دانته، علم نجوم زبان بیان نظم قدسی است. هر فلک در کمدی الهی نه یک جرم فیزیکی، بلکه یک منزلگاه معرفتی است که ارواح بر اساس میزان کمال خود در آن جای می گیرند. یافته‌ها تأیید می‌کند که دانته از طریق هندسه بطلمیوسی، توانسته است تجربیات ناپایدار عرفانی را در قالب یک ساختار ریاضی دقیق و ماندگار تثبیت کند و نشان دهد که نظم کیهان بازتابی از عدالت و مشیت الهی است. در این اثر، ریاضیات افلاک، جاده رسیدن به حقیقت مطلق است.

به‌عنوان راهکار نهایی، پیشنهاد می شود پژوهشگران ادبیات کلاسیک با اتکا به روش میان رشته ای، نگاه علمی را به متون کهن بازگردانند. این مطالعه ثابت کرد که برای درک صحیح آثار حماسی و عرفانی، نباید از تاریخ علم غافل شد. گام بعدی در این مسیر، بررسی تطبیقی همین ساختارها در آثار بزرگانی نظیر مولوی است تا مشخص شود که چگونه مفاهیم نجومی در عرفان اسلامی به استعاره هایی برای تبیین عوالم غیب تبدیل شده اند و چه تفاوت های بنیادی در نوع نگاه الهیاتی دانته و مولوی به کیهان وجود دارد.

فهرست منابع

آلیگری، دانته (۱۳۹۶)، کمدی الهی، ترجمه شجاع الدین شفا، تهران: امیرکبیر.

ـــــــــــ (۱۳۸۲)، کمدی الهی، ترجمهٔ ابوالحسن تهامی، تهران: ایران کتاب.

ابراهیم مالمیر، محمد و فرهادی، سودابه (۱۳۹۶)،«بررسی و تحلیل تطبیقی مفهوم دوزخ از دیدگاه دانته و ابن عربی»، مجلهٔ پژوهش های ادب عرفانی، شمارهٔ ۳۴، صص ۴۵-۷۶.

باقری، حنانه و رئیسی، ایمان (۱۴۰۳)، «تحلیل نشانه شناسی فرهنگی تصویر زنان در بهشت معراج نامه میر حیدر و کمدی الهی دانته اثر گوستاو دوره»، نشریه رهپویه حکمت هنر، دوره ۴، شماره ۲.

پورجوادی، نصرالله (۱۳۶۰)، «ارض ملکوت؛ بهشت گمشده»، نشر دانش فروردین، شمارهٔ ۳.

زمانی قمشه‌ای، علی (۱۳۸۱)، هیئت و نجوم اسلامی، قم: مؤسسه فرهنگی سماء.

کولس، پیتر (۱۳۹۲)، کیهان شناسی، ترجمه فیروز آرش، تهران: فرهنگ معاصر.

معرفت، شهره و معرفت، لاله (۱۳۹۸)، «تحلیل عناصر ساختاری و محتوایی دو سفرنامه تمثیلی براساس رویکرد بینامتنی؛ رساله الغفران و کمدی الهی»، مجلهٔ زبان کاوی کاربردی، شمارهٔ ۴، صص ۳۸-۴۸.